

نقدی بر کتاب ابعاد اقتصاد مقاومتی در صنعت نفت

فرهاد ترحمی*

علی اصغر اسفندیاری**

چکیده

محتوای کتاب *ابعاد اقتصاد مقاومتی در صنعت نفت* شامل متن سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، مکاتبات، و بیانات انجام گرفته در این خصوص، تاریخچه صنعت نفت، و اقدامات انجام شده وزارت نفت به منظور تحقق اقتصاد مقاومتی است. ضمن این که تلاش شده است که اقتصاد مقاومتی در راستای اقتصاد اسلامی تعریف شود، گرچه این مطلب اثبات نمی‌شود. ساختار کتاب خبری و خطابه‌ای است و از منابع علمی به اندازه کافی استفاده نشده است؛ بنابراین هیچ‌گونه تحلیلی در خصوص ارتباط اقتصاد مقاومتی و بخش نفت مشاهده نمی‌شود. اثر یادشده به منظور کسب اطلاعات کلی از سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و برخی برنامه‌های وزارت نفت در این حوزه قابل استفاده است و برخلاف نظر نویسندگان اثر، مرجع کاملی در این حیطه علمی به شمار نمی‌آید. در این باره، کوشش شده است که به اختصار محورهای مرتبط با بخش نفت خام و گاز طبیعی در حوزه اقتصاد مقاومتی تبیین شود و نقاط قوت و ضعف مشخص شود. تحلیل صورت گرفته شامل مواردی است که کتاب به آن‌ها اشاره نکرده است و می‌تواند به منزله مقدمه‌ای برای پژوهش‌های آتی مورد استفاده قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد مقاومتی، بخش نفت، اقتصاد اسلامی، نقد کتاب.

* دکترای علوم اقتصادی، دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)، Tarahomi2009@gmail.com

** استادیار بازنشسته دانشگاه شهید چمران اهواز، aa_esfandiary@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۲۹

۱. مقدمه

ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی بستر مناسبی را برای اندیشمندان فراهم آورده است تا از طریق آن بتوانند درخصوص مسائل اقتصاد ایران بحث و تبادل نظر کنند و راه‌کارهای مناسب ارائه دهند. از آن‌جاکه کشور ایران دارای ذخایر غنی نفت خام و گاز طبیعی است، چهار بند از سیاست‌های اقتصاد مقاومتی به بخش نفت و صنایع پایین‌دستی آن اختصاص یافته است که این امر نشان از اهمیت آن در تحقق اهداف سیاست‌های ابلاغی دارد. از سوی دیگر، اقتصاد مقاومتی غالباً با چهار رویکرد اقتصاد اسلامی، اقتصاد تحریم‌محور، اقتصاد تاب‌آور، و اقتصاد ریاضتی معرفی شده است و هریک از این رویکردها بر یک جنبه از اقتصاد مقاومتی تأکید کرده‌اند (میرجلیلی ۱۳۹۵). ضمن این‌که الزام‌های اقتصاد مقاومتی حمایت از تولید ملی، افزایش بهره‌وری، و حمایت از فعالیت‌های تولیدی است (مجمع تشخیص مصلحت نظام ۱۳۹۲). باتوجه به نقش حیاتی نفت در اقتصاد ایران و تبیین ابعاد اقتصاد مقاومتی و گفتمان‌سازی آن، به‌ویژه در محیط‌های علمی، آموزشی، و رسانه‌ای و تبدیل آن به گفتمان فراگیر و رایج ملی (بند ۲۱ سیاست‌های ابلاغی) لازم است آثار چاپ‌شده مورد‌اکاوی و بررسی قرار گیرند. در این باره، در مقاله حاضر یکی از کتاب‌های منتشرشده با عنوان *ابعاد اقتصاد مقاومتی در صنعت نفت* بررسی شده است. این مقاله در پنج بخش تنظیم شده است؛ بعد از مقدمه و در بخش دوم، به‌اختصار کتاب معرفی می‌شود. سپس، ابعاد شکلی موردتوجه قرار می‌گیرد. ابعاد محتوایی اثر در بخش چهارم تحلیل می‌شود. موارد مرتبط با بخش نفت خام و گاز طبیعی در راستای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و ابعاد سلبی (کاهش وابستگی به نفت) و ایجابی بخش نفت (نقش درآمدهای نفتی در توسعه) باتوجه به متن سیاست در بخش پنجم آورده شده است. در بخش پایانی، جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ذکر شده است.

۲. معرفی کتاب

کتاب *ابعاد اقتصاد مقاومتی در صنعت نفت* نوشته محمد شریف ملک‌زاده و مرتضی عابدینی را انتشارات جنگل در هزار نسخه و با قیمت سیزده هزار تومان برای نخستین بار در سال ۱۳۹۴ چاپ کرد. آنچه از عنوان کتاب برمی‌آید، هدف از تألیف آن بررسی ارتباط بخش نفت و صنایع پایین‌دستی آن و اقتصاد مقاومتی است. این اثر شامل یک مقدمه و پنج فصل است. فصل اول کتاب مفاهیم مربوط به اقتصاد اسلامی را بررسی

می‌کند. در این فصل پس از تعریف اقتصاد در اسلام و اهداف اقتصاد اسلامی بر بومی‌سازی اقتصاد تأکید شده است. فصل دوم سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی را مورد بررسی قرار می‌دهد. متن سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، تبیین اقتصاد مقاومتی، نقش شرکت‌های دانش‌بنیان در اقتصاد مقاومتی، و مکاتبات صورت‌گرفته در این بخش ذکر شده‌اند. فصل سوم به تاریخچه نفت در ایران اشاره دارد. تحولات صنعت نفت و امتیازات داده‌شده به بیگانگان از جمله موضوعاتی است که مورد بررسی قرار گرفته است. در فصل چهارم، سیاست‌های کلی جمهوری اسلامی در خصوص انرژی در قالب اسناد بالادستی و مواد مربوط به برنامه‌های پنج‌ساله توسعه مدنظر قرار گرفته است. فصل پنجم به برنامه راه‌بردی اقتصاد مقاومتی در صنعت نفت ایران اختصاص یافته است. در این باره، مواردی نظیر برنامه‌ها، اهداف، و سیاست‌های وزارت نفت در زمینه اقتصاد مقاومتی مطرح نظر بوده است.

۳. بررسی شکلی کتاب

به‌طور کلی، هر نقد علمی باید ابعاد شکلی اثر را از نظر میزان جامعیت صوری، کیفیت چاپ و نشر، رعایت اصول نگارش و التزام به قواعد ویرایش تخصصی، و میزان روان و رسابودن مورد بررسی و نقد قرار دهد (شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی ۱۳۹۰). در ضمن، چون ممکن است این کتاب‌ها در برنامه آموزشی به‌منزله منبع درسی یا کمک‌درسی مورد استفاده قرار گیرند، لازم است از نظر قابلیت کاربرد در برنامه آموزشی نیز مورد ارزیابی و نقد قرار گیرند (زرانژاد ۱۳۹۵). به همین علت، در این بخش نقاط قوت و ضعف ابعاد شکلی کتاب بررسی می‌شود.

۱,۳ نگرش کلی به کتاب

اثر مورد بررسی فاقد پیش‌گفتار است و با مقدمه مؤلفان شروع می‌شود. در مقدمه به اهداف کتاب اشاره نشده است و فقط به نام‌گذاری سال‌ها از ۱۳۷۸ تا ۱۳۹۳ پرداخته شده است. فهرست مطالب به‌صورت تفصیلی تنظیم شده است و جدول‌ها، نمودارها، و اشکال فاقد فهرست جداگانه هستند. با توجه به موضوع پژوهش که اقتضا می‌کند شاخص‌ها به‌صورت نمودار و جدول ارائه شوند، سی جدول (طبق شماره‌گذاری صورت‌گرفته نویسندگان) مورد استفاده قرار گرفته است، ولی جدول‌های فصل پنجم (صفحه‌های ۱۹۰ تا ۱۹۴)،

شماره‌گذاری نشده‌اند. ضمن این‌که برخی از نمودارها و اشکال فاقد شماره هستند (مثلاً صفحه‌های ۷۹ و ۸۶). به‌علاوه، اکثر جدول‌ها، نمودارها، و اشکال منبع ندارند (مثلاً صفحه‌های ۱۴۲ و ۱۴۳). موارد یادشده موجب می‌شود که درک و فهم مطالب با سختی بیش‌تری صورت پذیرد. شایان ذکر است که اثر به‌منظور استفاده به‌منزله منبع درسی تألیف نشده است؛ به همین علت، در قالب یک درس‌نامه یا کتاب درسی قرار نگرفته است. بنابراین، کاربرد آن در برنامه آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ضعیف است، اما می‌تواند یک نگرش کلی درخصوص سیاست‌های اقتصاد مقاومتی به دانشجویان و علاقه‌مندان بدهد. از نظر روند بیان مطالب در هر فصل کتاب فاقد مقدمه و نتیجه‌گیری جداگانه در هر فصل است (فقط فصل سوم دارای مقدمه است). ضمن این‌که جمع‌بندی در پایان کتاب بسیار مختصر و ناکافی است و از متن گرفته نشده است. به‌علاوه، منابع برای کسب اطلاعات بیش‌تر یا پیش‌نهاد پژوهشی برای تکمیل این تحقیق در پایان فصول یا در پایان کتاب ارائه نشده است. به‌طور کلی، نمایه‌ای برای اعلام، موضوعات، منابع، و اصطلاحات به‌کاررفته در اثر تنظیم نشده است و فقط به تهیه فهرستی از منابع استفاده‌شده در متن اثر اکتفا شده است. یادآوری این مورد لازم است که منابع به‌ترتیب حروف الفبا نیست و به یک شکل معین قرار نگرفته‌اند. درضمن، سه منبع فارسی به‌اشتباه در بخش منابع انگلیسی جای گرفته‌اند (ص ۲۱۱). برخی از منابع ذکرشده در انتها در متن استفاده نشده است (مثلاً منابع ۱۹ و ۲۶). شایان ذکر است، شناخت برخی از منابع به‌علت کم‌دقتی در نگارش برای خواننده مشکل است (مانند مأخذ ۱۱).

۲,۳ کیفیت ظاهری و فنی

منظور از بررسی کیفیت ظاهری و فنی اثر این است که مؤلفه‌هایی مانند طرح روی جلد، حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی، چاپ، و صحافی مورد بررسی قرار گیرد و نمونه‌خوانی اثر از نظر وجود اغلاط املائی و چاپی بررسی شود (زرانژاد ۱۳۹۵).

۱,۲,۳ طرح جلد کتاب

طرح روی جلد نماد و نشان مشخصی از اقتصاد مقاومتی ندارد. پشت جلد نیز اختصاص به اسامی چهارده جلد از کتاب‌هایی دارد که نویسنده نگاشته است. ذکر این نکته لازم است که نماد دانشگاه عدالت در رو و پشت جلد چاپ شده است که ارتباط آن با انتشارات جنگل (ناشر کتاب) مشخص نیست.^۱

۲,۲,۳ حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی

در این بخش موارد ذیل قابل‌تأمل است:

- اندازه حروف انگلیسی همانند حروف فارسی درج شده است (مثلاً صفحه‌های ۵۸ تا ۶۰، صفحه‌های ۶۹ و ۷۱). این در حالی است که معمولاً حروف انگلیسی به‌اندازه دو فونت کوچک‌تر از حروف فارسی نوشته می‌شوند تا به زیبایی متن افزوده شود.
- فونت سرتیترها در اغلب موارد B Nazanin است، در حالی که در بعضی از صفحه‌ها از فونت B Titr استفاده شده است (نظیر صفحه ۷۹).
- جافتادگی‌های زیادی در کتاب وجود دارد که مطالعه را برای خواننده دشوار می‌کند (مثلاً صفحه‌های ۴۱ و ۹۷).
- در برخی از موارد، درخصوص نحوه تایپ فونت‌های فارسی و انگلیسی غفلت شده است (همانند تایپ عدد ۱۳۲۸ در صفحه ۶۳ و عدد ۶۰ در صفحه ۶۹ کتاب).
- درخصوص فاصله بین کلمات دقت لازم به‌عمل نیامده است. برای نمونه، در صفحات ۶، ۷، ۱۰، ۵۷ چنین وضعیتی وجود دارد.
- برخی از جدول‌ها به‌صورت عکس (image) در کتاب مورد استفاده قرار گرفته‌اند. این امر موجب شده است که ارقام به‌آسانی قابل خواندن نباشد. نمونه چنین وضعیتی در صفحه‌های ۱۳۹ و ۱۶۴ مشاهده می‌شود.
- باتوجه‌به موارد یادشده کیفیت حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی اثر متوسط ارزیابی می‌شود.

۳,۲,۳ کیفیت چاپ، صحافی، و قطع اثر

از مشخصات چاپ مطلوب در حالت سیاه و سفید می‌توان به درجه وضوح چاپ، ثبات رنگ و ترکیب بهینه رنگ‌های سفید و سیاه برای ساخت طیفی از رنگ‌های میان سیاه و سفید با پرده‌های گوناگون خاکستری (رنگ‌های خشتی) برای استفاده در جدول‌ها و نمودارها اشاره کرد (زرانژاد ۱۳۹۵). کتاب موردبررسی از درجه وضوح چاپ حروف و ثبات رنگ خوب است. باوجود فراهم‌بودن امکان استفاده از طیف بیش‌تر رنگ‌های خاکستری در نمودارها و جدول‌ها، برای زیبایی و به‌منظور تفهیم بهتر، فقط از رنگ خاکستری تیره استفاده شده است، اما این امر خلل محسوسی ایجاد نکرده است. بنابراین کیفیت چاپ کتاب خوب ارزیابی می‌شود. از نظر قطع اثر، لازم است یادآوری شود که

اکنون رایج‌ترین قطع برای کتاب غالباً قطع وزیری با ابعاد متغیر در فاصله ۲۰×۱۳ تا ۲۶×۲۰ سانتی‌متر است (سیداخلاقی ۱۳۸۰). قطع اثر موردبررسی وزیری با ابعاد ۲۳/۵×۱۶/۵ است. باتوجه به تعداد صفحه‌های کتاب قطع انتخاب‌شده مناسب است. ضمن این‌که به‌نظر می‌رسد، شیرازه کتاب در برابر تعدد دفعات استفاده از آن مقاوم باشد. بنابراین کیفیت صحافی اثر خوب ارزیابی می‌شود. باتوجه به مطالب ذکرشده کیفیت چاپ، صحافی، و قطع اثر مطلوب است.

۴,۲,۳ نمونه خوانی و اغلاط چاپی

نمونه خوانی مطلوب موجب می‌شود که متن حروف‌نگاری شده از نظر مطابقت با رسم‌الخط، یک‌پارچگی متن، و تصحیح غلط‌های چاپی و املائی به‌صورت مناسبی تهیه شده باشد. بررسی متن کتاب نشان می‌دهد که نمونه‌خوانی از نظر تصحیح اغلاط املائی و چاپی ضعیف است. غلط‌های چاپی زیادی در کتاب وجود دارد که می‌توان آن‌ها را در گروه‌های ذیل، تقسیم کرد:

- کلماتی که سرهم نوشته شده است و می‌تواند جداگانه تحریر شود. مانند اینگونه (ص ۹)، مطبید (ص ۲۱)، نمیبود (ص ۳۵). نمونه‌های دیگری نیز وجود دارند که در این جا از ذکر آن‌ها صرف‌نظر می‌شود.
- ارجاع در متن براساس اصول (American Psychological Association) APA صورت نگرفته است. نمونه‌هایی از این کاستی را می‌توان در صفحه‌های ۳ (کتاب حقوق و عدالت) و آیات برگرفته از قرآن کریم (ص ۵) مشاهده کرد.
- غلط‌های املائی به‌وفور در متن یافت می‌شوند. نکته مهم این‌جاست که این اشتباه‌های املائی در تمامی کتاب وجود دارد و منحصر به فصل یا بخش خاصی نمی‌شود. نمونه‌هایی از این اشتباه‌ها عبارت‌اند از ابهامات (ابهامات، ص ۱۰ و ۱۱)، بهره‌برداری (بهره‌برداری، ص ۴۳)، دراسی (دارسی، ص ۶۱)، بلغ (بالغ، ص ۱۳۰)، بوه (بوده، ص ۱۳۱)، وزات (وزارت، ص ۱۸۱)، مقاومنی (مقاومتی، ص ۱۸۲)، منابع (منابع، ص ۱۸۲).

۵,۲,۳ اصول عمومی نگارش و قواعد ویرایش تخصصی

یکی از عوامل مؤثر در پذیرش و اقبال به آثار علمی رعایت اصول نگارش و قواعد ویرایش است. در این بخش، اثر حاضر از نظر رعایت قواعد نگارشی، نظیر جدانویسی

واژه‌ها، پیش‌وندها، و پس‌وندها مورد ارزیابی قرار می‌گیرد (زرانژاد ۱۳۹۵). در این خصوص، موارد زیر می‌تواند در کتاب مورد توجه قرار گیرد:

- در برخی از موارد از علامت کاما استفاده نشده است و این امر درک مطلب را دشوار می‌کند. مثلاً در صفحه ۴ بعد از کلمات موانع (سطر ۵)، ازدیگرسو (سطر ۱۲)، روبه‌رشد (سطر ۲۰) و رسول اکرم (ص) (سطر ۲۲) این کاستی وجود دارد.
- رعایت نکردن فاصله یک‌سان بین کلمات خلل دیگری است که در کتاب بسیار به چشم می‌خورد. مثلاً در صفحه ۴ در سطرهای ۸ و ۱۸ این مشکل مشاهده می‌شود. مثال‌هایی دیگر از این نقص را می‌توان در صفحه‌های ۶ (سطور ۱۱ و ۱۵)، ۷ (سطر ۱۵)، ۱۰ (سطر ۹) یافت.
- گاهی مواقع، یک کلمه یا جمله دو بار تکرار شده است؛ مثلاً کلمه شرکت در صفحه ۶۳ (سطر چهارم) مجدداً تکرار شده است. مثال‌های دیگر از این نوع کاستی در صفحه‌های ۲۱ (سطر ۱۶)، ۴۹ (سطر دوم)، و ۸۸ (سطر ۱۸) وجود دارد.
- گاهی در متن بعد از نقطه از حرف ربط «و» استفاده شده است. نمونه‌هایی از این کار را می‌توان در صفحه‌های ۵۷ و ۱۶۱ (سطور آخر) یافت.
- در برخی از موارد از درج نام انگلیسی اسامی در متن غفلت شده است. مثلاً اسامی سر آنتوئین (ص ۶۰)، دالتون و دموگان، سر پرسی کاکس (ص ۶۲)، مک‌لین تاک (ص ۶۴)، و آرمیتاژ اسمیت (ص ۶۵) چنین وضعیتی دارند. این در حالی است که باید در پانویس اسامی انگلیسی افراد ذکر می‌شد.
- گاهی کلمه به صورت انگلیسی در متن ذکر شده است، در حالی که نگارش صحیح ایجاب می‌کند که عبارت به زبان فارسی در متن نوشته شود و در پانویس به صورت انگلیسی درج شود. مثلاً Douvill و Drummond Wolff (ص ۶۰) و Templeton (ص ۷۴) از این موارد هستند.
- استفاده نادرست از نمادهایی نظیر " _ " (ص ۶۲)، " " (ص ۸۳)، "ی=" و "#++" (ص ۱۴۰) به زیبایی متن صدمه زده است و درک مطلب را دشوار می‌کند. بنابراین می‌توان گفت که کتاب نیاز به ویرایش مجدد دارد.

۶,۲,۳ میزان روان و رسابودن متن

متن علمی باید رسا و روان باشد. منظور از رسابودن متن این است که محتوای آن برای مخاطبان مشخص و قابل فهم باشد. لازمه رسابودن این است که متن با انشایی درخور مباحث علمی و با استفاده از اصطلاحات و تعبیرهای خاص آن علم تهیه شده باشد. روان بودن متن نیز به این معناست که نثر کتاب ابهام نداشته باشد و از انسجام معنایی برخوردار باشد. این امر مستلزم آن است که ابتدا اجزای سخن در جای خود نشانده شود؛ سپس، بین جملات یک پاراگراف و نیز میان پاراگراف‌های یک قسمت پیوند و ارتباط برقرار شود (زرانژاد ۱۳۹۵). مصادیق این امر را می‌توان در یک‌سان‌بودن ساختار جمله‌ها، اجتناب از گزارش مکرر ارقام جدول‌ها و نمودارها، و استفاده نکردن از جمله‌های طولانی دانست. به‌طور کلی، متن کتاب نسبتاً روان است، گرچه در برخی از موارد، به‌یک‌باره حالت خبری پیدا می‌کند (مثلاً صفحه ۲۷). درحالی‌که این امکان وجود داشت که در صفحه مورد اشاره نویسندگان مفهوم بیانات را احصا کنند و پس از بازنویسی و باتوجه‌به ادبیات اقتصادی در متن قرار دهند. لازمه پژوهش علمی تحلیل و تفسیر است و ذکر سخنان به‌تنهایی وافی به مقصود نیست. در صفحه ۳۴، پس از تیتراژ «ارکان اقتصاد مقاومتی» نیز همین مشکل وجود دارد. مثلاً پس از زیرتیتراژ «الف- مقاومت‌بودن اقتصاد» (مربوط به بخش ارکان اقتصاد مقاومتی) مجدداً جملات خبری درج شده است. در صفحه ۴۳ و در بخش «تبیین پی‌آمدهای مثبت، چالش‌ها و راه‌کارهای تحقق اقتصاد مقاومتی» متن کتاب حالت گزارش خبری به‌خود می‌گیرد. در ادامه نیز مکاتبات بین دولت و دفتر رهبری درج شده است که با نثر دو بخش یادشده متفاوت است. بنابراین، روان بودن متن کتاب خصوصاً در فصل دوم مورد تردید است. گاهی نیز جملات شعارگونه در کتاب دیده می‌شود، حال آن‌که متن کتاب‌های علمی باید فارغ از این نوع بیان باشد. مثلاً در صفحه ۱۰۷ آورده شده است: «تلاش برای روزآمدی تلاش برای ماندگاری است.» برخی از جملات نیز بسیار ثقیل نوشته شده‌اند. در صفحه ۱۱۹ چنین آورده شده است: «نظر به اهمیت ویژه اقتصاد مقاومتی و در راستای اجرای سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری راجع به اقتصاد مقاومتی، به‌منظور بررسی، تصویب، و راه‌بری اقتصاد مقاومتی و نظارت بر عملیات اجرایی آن‌ها، ستاد راه‌بری و مدیریت اقتصاد مقاومتی به ریاست معاون اول رئیس‌جمهور با وظایف زیر تشکیل گردید که با تأکید مقام معظم رهبری، ستاد راه‌بری اقتصاد مقاومتی به ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی تغییر نام داد.» همان‌گونه که ملاحظه می‌شود در عبارت یادشده شش بار کلمه

اقتصاد مقاومتی به کار رفته است، درحالی که این امکان وجود داشت که این عبارت با اختصار بیش‌تری نوشته شود.

بنابراین، روان و رسا بودن متن کتاب متوسط ارزیابی می‌شود.

۴. بررسی ابعاد محتوایی اثر

برای بررسی ابعاد محتوایی اثر باید قدرت تحلیل علمی مسئله یا مسائل موردنظر، کیفیت تحلیل، شیوه نقد، بی‌طرفی علمی، و نوآوری ارزیابی شود. ضمن این‌که محتوای کتاب از نظر ساختار درونی (بنایی) و ساختار برونی (مبنایی) موردنقد قرار گیرد (زرانژاد ۱۳۹۵).

۱,۴ توان و کیفیت تحلیل علمی

هدف پژوهش تحلیل ابعاد اقتصاد مقاومتی در صنعت نفت است؛ بنابراین انتظار می‌رود که محورهای مرتبط با بخش نفت خام و گاز طبیعی با توجه به سیاست‌های ابلاغی استخراج شود و از جنبه‌های گوناگون موردبررسی قرار گیرد. عنوان فصل اول اقتصاد است، ولی فقط سه خط به تعریف علم اقتصاد اختصاص دارد و بقیه متن شامل تبیین مفهوم عدالت است. اهمیت اقتصاد در اسلام، مقاصد اقتصاد اسلامی، و ویژگی‌های نظام اقتصادی اسلام از دیگر مواردی است که در فصل اول موردبررسی قرار گرفته است. به نظر می‌رسد، آنچه در این فصل مورد تأکید نویسندگان است، ارائه یک الگوی بومی برای اقتصاد ایران با توجه به فرهنگ، ارزش، و جهان‌بینی خاص آموزه‌های اسلامی و ایرانی است (ملک‌زاده و عابدینی ۱۳۹۴: ۱۵). نویسندگان در این باره معتقدند: «رویکرد بومی قائل به ضرورت جرح و تعدیل و نقد و مبارزه فکری و تصرف در نظریات اقتصادی غربی است» (همان: ۸). بنابراین رویکرد تطبیقی را بر رویکرد تقلیدی ارجح می‌دانند. با توجه به مطالب مطرح شده در فصل اول انتظار می‌رود که نویسندگان در ادامه کتاب الگویی را برای اقتصاد ایران (با تأکید بر بخش نفت) با رویکرد تطبیقی ارائه دهند و آن را شرح دهند یا لاقلاً با اقتصاد مقاومتی مرتبط کنند، ولی این موضوع در ادامه مورد توجه قرار نمی‌گیرد. ضمن این‌که مصادیق رویکرد تطبیقی و تقلیدی بیان نشده است و صرفاً تأکید شده است که رویکرد تطبیقی بر تقلیدی مرجح است. آنچه از نظر نویسندگان استنباط می‌شود این است که سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی یک رویکرد تطبیقی درباره اقتصاد ایران دارد؛ گرچه این مسئله به صراحت آورده نشده است و نقش نفت (موضوع پژوهش)

مسکوت مانده است. فصل دوم، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی نام دارد. محتوای این فصل شامل متن سیاست‌های ابلاغی، مکاتبات، و سخن‌رانی‌های صورت گرفته پیرامون آن است. مطالعه فصل نشان می‌دهد که هیچ‌گونه تحلیلی در خصوص بندهای اقتصاد مقاومتی و ارتباط آن با بخش نفت انجام نشده است. به علاوه، ارتباط فصل اول (مباحث مربوط به اقتصاد اسلامی و رویکردهای تطبیقی و تقلیدی) با فصل دوم تبیین نشده است. در فصل سوم، تاریخچه صنعت نفت مورد بررسی قرار گرفته است. مباحثی هم‌چون تاریخچه نفت، امتیازات داده‌شده به بیگانگان، و تحولات نفت در دوران قبل و بعد از انقلاب در این فصل آورده شده است. مطالب این فصل هدف معینی را دنبال نمی‌کند. مثلاً به چگونگی تشکیل وزارت نفت در دوران پس از انقلاب اشاره شده است و سپس با استفاده از اطلاعات نسبتاً قدیمی (صفحه ۸۷ و باتوجه به اشاره ذکر شده در کتاب مبنی بر بیست و چهارمین سال خوداتکایی و تجلی حقیقی صنعت نفت)^۳، به حماسه بازسازی و توسعه اشاره شده است، ولی ادامه موضوع رها شده است. درحالی که توجه به بخش نفت از دو منظر درآمدی و پیوندهای بین‌بخشی می‌توانست طی سال‌های مختلف مورد توجه نویسندگان قرار گیرد. به علاوه، ذکر تاریخچه نفت و امتیازات داده‌شده به بیگانگان گرچه مفید است، ارتباطی با موضوع بحث ندارد. خوش‌بختانه، بندهای مرتبط با نفت و صنایع مرتبط با آن در اقتصاد مقاومتی مشخص است و نویسندگان می‌توانستند با به‌کارگیری آمار و اطلاعات و مدل‌های اقتصادی مناسب این موارد را تحلیل کنند. در مواردی نیز به صورت گذرا به نکاتی بدون اثبات و تحلیل اشاره شده است. مثلاً در صفحه ۸۸ آورده شده است: «درآمد ارزی حاصل از فروش نفت خام در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۱ که قیمت نفت خام بیش از ۱۱۰ دلار در هر بشکه رسید، به جای افزایش رفاه و توسعه اقتصادی، تورم دو رقمی به ارمغان آورد. واضح است که کاهش شدید نرخ نفت در دوره اخیر، هم‌چون شرایط دهه ۱۹۸۰، برای کشور شرایط نامطلوبی ایجاد خواهد نمود.» در این خصوص، دو نکته اهمیت دارد: الف) تحلیلی در خصوص آن که چرا افزایش قیمت نفت موجب تورم دورقمی شده است (به‌زعم نویسندگان) انجام نشده است، و ب) کاهش شدید نرخ نفت در دوره‌های اخیر دارای ابهام است و دقیقاً زمان آن تصریح نشده است.

در فصل چهارم، سیاست‌های کلی جمهوری اسلامی در خصوص انرژی بررسی شده است. مواردی نظیر قانون برنامه پنجم توسعه، برنامه‌های پیش‌نهادی وزارت نفت، مقایسه برنامه پنجم و چهارم توسعه در خصوص بخش نفت در این فصل بحث شده است. لازم است یادآوری شود که مقایسه برنامه‌های پنجم و چهارم در حال حاضر موضوعیت ندارد

(نزدیک به ده صفحه کتاب به این اختصاص پیدا کرده است) و باید برنامه ششم توسعه موردبررسی دقیق قرار گیرد (فقط یک صفحه کتاب در این موضوع است). نکته جالب آنکه بلافاصله پس از مباحث یادشده نگرشی به بخش انرژی کشور در سال ۱۳۹۲ شده است و سپس با استفاده از آمار جهانی، وضعیت کشور در مورد شدت انرژی ذکر شده است. در تمامی این موارد به درج آمار و رقم خوانی بسنده شده است و تحلیلی (هرچند مختصر) درخصوص بخش نفت مشاهده نمی‌شود. در فصل پنجم، برنامه راهبردی اقتصاد مقاومتی در صنعت نفت ایران بررسی شده است. همانند فصل چهارم، این فصل به‌طور کامل به بازنویسی مجدد برنامه‌های وزارت نفت در زمینه اقتصاد مقاومتی اختصاص دارد. نمونه این مطالب را می‌توان در نشریه‌های داخلی وزارت نفت و وب‌گاه‌های مرتبط یافت. نبود تحلیل و بررسی نقطه ضعف اصلی این فصل است. آخرین بخش کتاب به نتیجه‌گیری اختصاص یافته است. این بخش بسیار مختصر است (نزدیک به سه صفحه) و مجدداً به‌صورت اجمالی مواردی خطاب‌ه‌وار درج شده است. حال آنکه این فصل باید از مطالب مندرج در کتاب برگرفته شود.

علاوه بر موارد یادشده، این مطالب نیز درخصوص کیفیت تحلیل علمی کتاب قابل ذکر است:

- ابزار علمی مورد استفاده منحصر به جدول است. به‌کارگیری نمودار و مدل‌های اقتصادی در کتاب مورد توجه قرار نگرفته است.
- کتاب فاقد ادبیات موضوع است و این امر کاستی بزرگی خصوصاً در نتیجه‌گیری پایان کتاب به‌وجود آورده است؛ زیرا نتیجه‌گیری یک پژوهش اقتصادی مطلوب از تحلیل داده‌ها و در بستر ادبیات موضوع شکل می‌گیرد.
- مروری بر پژوهش‌های انجام‌شده مرتبط با موضوع مورد توجه نویسندگان قرار نگرفته است. این امر موجب شده است که کتاب فاقد بررسی و نقد آثار دیگران باشد.
- نوآوری در هیچ‌یک از فصل‌های کتاب مشاهده نمی‌شود. انبوهی از اطلاعات کلی و عمومی درخصوص اقتصاد مقاومتی و بخش نفت در فصول مختلف قرار گرفته است.

۲,۴ نقد درون‌ساختاری

در این بخش میزان انسجام و نظم منطقی مطالب و اعتبار و کفایت منابع علمی و نحوه استفاده صحیح از آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱,۲,۴ میزان انسجام و نظم منطقی

یکی از مواردی که در پژوهش‌های علمی حائز اهمیت فراوان است، انسجام مطالب در درون هر فصل، بین فصل‌ها، و کل کتاب است. در فصل اول کتاب مفاهیم مربوط به اقتصاد اسلامی آورده شده است، ولی در ادامه، به این مسائل اصلاً اشاره نمی‌شود و ارتباط آن با صنعت نفت و اقتصاد مقاومتی مغفول مانده است. در فصل دوم به‌گونه‌ی خبری و خطاب‌های سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی بررسی شده است که یک‌سری اطلاعات کلی به خواننده منتقل می‌کند. در فصل سوم، به تاریخچه نفت ایران اشاره شده است. این بخش، با عنوان کتاب مبنی بر ارتباط صنعت نفت و اقتصاد مقاومتی هم‌سو نیست؛ زیرا انتظار می‌رود که در فصل سوم نقش بخش نفت در اقتصاد ایران از ابعاد مختلف موردتجزیه و تحلیل قرار گیرد و در نهایت ارتباط آن با اقتصاد مقاومتی مشخص شود. در همین فصل به‌ناگاه و در صفحه ۸۶ به نمودار سازمانی وزارت نفت اشاره شده است. ضمن این‌که در تحلیل وضعیت صنعت نفت به دوران جنگ تحمیلی اشاره نشده است و به‌یک‌باره بررسی روند تاریخی از سال ۱۳۵۸ به خاتمه جنگ منتقل شده است (صفحه‌های ۸۲ و ۸۶). درخصوص مبحث «بررسی سیاست‌های کلی جمهوری اسلامی ایران در بخش نفت و گاز» نیز مطالبی مطرح شده است که ارتباطی با موضوع ندارد (صفحه ۸۷). مثلاً ذکر آمارهای رسمی سال ۱۳۹۲ بانک مرکزی و کاهش شدید قیمت نفت از اوایل سال ۲۰۱۴، ارتباطی با سیاست‌های کلی جمهوری اسلامی ندارد. در صفحه ۸۸ عنوان «حال چه اقدامی در جهت رشد و شکوفایی اقتصاد کشور پیش‌نهاد می‌شود» مطرح شده است که مجدداً ارتباطی با موضوع قبل ندارد. در فصل چهارم، سیاست‌های کلی جمهوری اسلامی درخصوص انرژی موردبررسی قرار گرفته است. در این‌باره، سیاست‌های کلی انرژی در یک صفحه آورده شده است و سپس، به مواد قانون برنامه پنجم اشاره شده است، ولی در صفحه ۱۳۰ به‌یک‌باره عنوان «نگرشی به بخش انرژی کشور در سال ۱۳۹۲» آورده شده است که مرتبط با سیاست‌های کلی جمهوری اسلامی درخصوص انرژی نیست. بدیهی است، این عنوان ناظر به عملکرد بخش انرژی کشور است و انسجام متن را خدشه‌دار می‌کند. این روند تا پایان فصل (صفحه ۱۷۷) ادامه می‌یابد. در فصل آخر نیز به برنامه راه‌بردی اقتصاد مقاومتی در صنعت نفت ایران اشاره شده است که شامل برنامه‌ها و طرح‌هایی است که قرار است در آینده اجرا شود. با عنایت به موارد یادشده می‌توان گفت که کیفیت ارتباط مفاهیم درون فصل‌ها متوسط است. ضمن این‌که ارتباطی بین مفاهیم مندرج در بین فصل‌ها مشاهده نمی‌شود.

۲,۲,۴ اعتبار منابع و کیفیت استنادها

منابع به کار گرفته شده در خصوص برخی از جدول‌ها (BP (British Petroleum Statistical) بانک مرکزی ذکر شده است. ضمن این که بسیاری از آن‌ها در متن فاقد منبع و سند است. مثلاً جدول‌های ۷- ۴، ۸- ۴، ۹- ۴، ۱۰- ۴ چنین وضعیتی دارند. از آن‌جا که کتاب ماهیت تحلیلی ندارد، گزارش‌های متعدد و پراکنده از وب‌گاه‌های مختلف یا مجلات اخذ شده است که برای خواننده منشأ نامعلومی دارند. به علاوه، بسیاری از منابع انتهایی کتاب که در متن مورداستفاده نویسندگان قرار نگرفته‌اند، نسبتاً قدیمی هستند و از کتاب‌ها و مقاله‌های برجسته در علم اقتصاد به‌شمار نمی‌آیند (نظیر منابع ۱۷ تا ۲۰ انگلیسی). در مواردی بسیار اندک که نویسندگان تحلیلی ارائه می‌دهند، ارجاع‌ها در متن مشخص نشده است. مثلاً می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- کاهش شدید قیمت نفت که از اوایل سال ۲۰۱۴ شروع شد، حاکی از تغییرات زیربنایی بازار جهانی نفت می‌باشد (ملکزاده و عابدینی ۱۳۹۴: ۸۸).
 - درآمد ارزی حاصل از فروش نفت خام در سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۸۴ که قیمت نفت خام به بیش از ۱۱۰ دلار در هر بشکه رسید، به‌جای افزایش رفاه و توسعه اقتصادی تورم دورقمی به‌ارمغان آورد (همان: ۸۸).
- به‌طور کلی، در این اثر به‌اندازه کافی از منابع معتبر علمی به‌منظور تبیین موضوع استفاده نشده است و کتاب از لحاظ رعایت امانت، میزان دقت در استنادات و ارجاعات، و توجه به اصول منبع‌دهی مطلوب نیست.

۳,۴ نقد درون‌ساختاری

برای بررسی ساختار برون‌ی اثر باید میزان هماهنگی مفاد آن با اصول و مبانی مفروض کتاب و نیز میزان ارتباط و چالش مفاد اثر با مبانی و اصول دینی و اسلامی تحلیل و بررسی شود (زرانژاد ۱۳۹۵).

۱,۳,۴ سازگاری با مبانی و پیش‌فرض‌های مفروض

به‌طور کلی، هدف کتاب به‌طور مشخص تصریح نشده است، اما به‌طور ضمنی دریافت می‌شود که نویسندگان تلاش کرده‌اند که اثرات متقابل اقتصاد مقاومتی و بخش نفت را تبیین کنند. اما از آن‌جا که ساختار خطابه‌ای و خبری بر کتاب حاکم است و اثر فاقد هرگونه تحلیل

یا استناد علمی است، این امر محقق نشده است. جهت‌گیری به سمت هیچ‌یک از مکتب‌های اقتصادی در کتاب به چشم نمی‌خورد. در فصل اول، به اقتصاد اسلامی اشاره شده است، ولی ارتباط آن با اقتصاد مقاومتی مشخص نشده است. شاید بتوان به‌طور تلویحی استنباط کرد که نویسندگان اقتصاد مقاومتی را با اقتصاد اسلامی در یک راستا دانسته‌اند. در هر حال، هدف اثر و پیش‌فرض‌های آن و پی‌بردن به مفاهیم آن‌ها در متن کتاب نامعلوم است.

۲,۳,۴ سازگاری با مبانی و پیش‌فرض‌های اسلامی

باتوجه به این‌که در فصل اول مباحث مربوط به اقتصاد اسلامی آورده شده است و سعی نویسندگان بر این بوده است که اقتصاد مقاومتی را به اقتصاد اسلامی مرتبط کنند (گرچه در این مورد تحلیلی به‌کار نگرفته‌اند)، سازگاری کتاب با مبانی و نگرش اسلامی مطلوب ارزیابی می‌شود.

۵. بندهای مرتبط با بخش نفت در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی

از آن‌جاکه موضوع کتاب بررسی ابعاد اقتصاد مقاومتی در صنعت نفت است، در این بخش کوشش می‌شود به‌صورت اجمالی ارتباط اقتصاد مقاومتی و بخش نفت تبیین شود. بدیهی است، گستره کار بسیار وسیع است و مواردی که ذکر خواهند شد مقدمه‌ای از مباحثی است که کتاب به آن‌ها اشاره نکرده است و می‌تواند در پژوهش‌های بعدی مورد توجه قرار گیرد.

۱,۵ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و بخش نفت

به‌طور کلی، چهار بند از سیاست‌های اقتصاد مقاومتی به بخش نفت و گاز اختصاص دارد که عبارت‌اند از:

بند ۱۳: این بند مقابله با ضربه‌پذیری درآمدهای حاصل از صادرات نفت و گاز را از طرق مختلف مدنظر قرار می‌دهد. افزایش صادرات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی (به‌منزله صنایع پایین‌دستی نفت) از جمله روش‌های اشاره‌شده در این بخش است.

بند ۱۴: در این بند افزایش ذخایر راه‌بردی نفت و گاز کشور به‌منظور اثرگذاری در بازار جهانی نفت و گاز با تأکید بر حفظ میادین مشترک مطمح‌نظر است.

بند ۱۵: افزایش ارزش افزوده بخش نفت از طریق تکمیل و توسعه زنجیره ارزش این بخش مورد توجه واقع شده است.

بند ۱۸: افزایش سالانه سهم صندوق توسعه ملی از منابع حاصل از صادرات نفت و گاز به منظور کنترل و نظارت بر درآمدهای نفتی مورد تأکید قرار گرفته است.

با تأمل در بندهای یادشده موارد ذیل استنباط می‌شود:

- درآمد حاصل از نفت و گاز نقش مهمی را در اقتصاد ایران ایفا می‌کند. این نکته در بند ۱۴ مورد تأکید قرار گرفته است. بنابراین، اقتصاد مقاومتی توجه به درآمدهای نفتی را مدنظر قرار داده است.

- باید از درآمدهای به دست آمده به نحو مطلوب استفاده کرد. این امر از طریق افزایش سالانه سهم صندوق توسعه ملی (بند ۱۸) و توسعه بخش‌های پایین دستی آن به منظور افزایش صادرات (بند ۱۳) انجام می‌پذیرد.

- از آن جاکه بخش نفت در اقتصاد ایران دارای پیوندهای بسیار ضعیفی با دیگر بخش‌های اقتصادی است، باید از طریق توسعه صنایع پایین دستی آن به خلق ارزش افزوده مبادرت کرد (بند ۱۵).

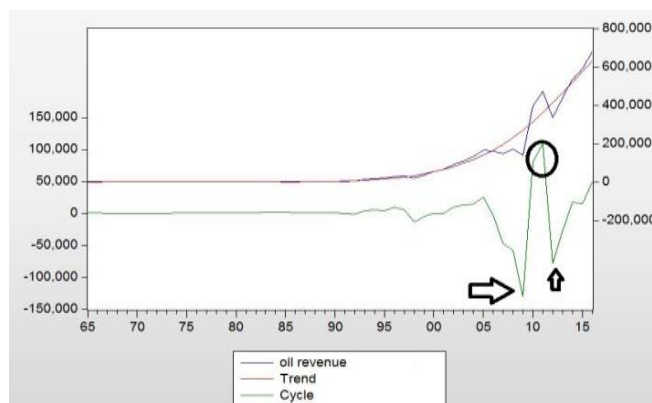
بنابراین اقتصاد مقاومتی به صورت هم‌زمان از دو جنبه درآمدی و پیوندهای بین بخشی بخش نفت خام و گاز طبیعی را مورد توجه قرار می‌دهد. از بُعد درآمدی، نفت به منزله یک کالای نهایی مورد توجه قرار می‌گیرد، ولی در جنبه پیوندهای بین بخشی، بُعد واسطه‌ای بودن آن مورد تأکید است. بنابراین ضروری است که به منظور ارتباط بخش نفت و اقتصاد مقاومتی، این موارد با روش‌های مناسب مورد توجه قرار گیرد؛ مسئله مهمی که در کتاب مورد غفلت واقع شده است. در ادامه، تحلیل‌های آماری مختصر که می‌تواند به مثابه مقدمه در پژوهش‌های آتی مورد استفاده قرار گیرد، آورده شده است.

۲,۵ تحلیل آماری بندهای مرتبط با بخش نفت و گاز در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی

در این بخش به اختصار بندهای مرتبط با نفت و گاز در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی از لحاظ آماری بررسی می‌شود.

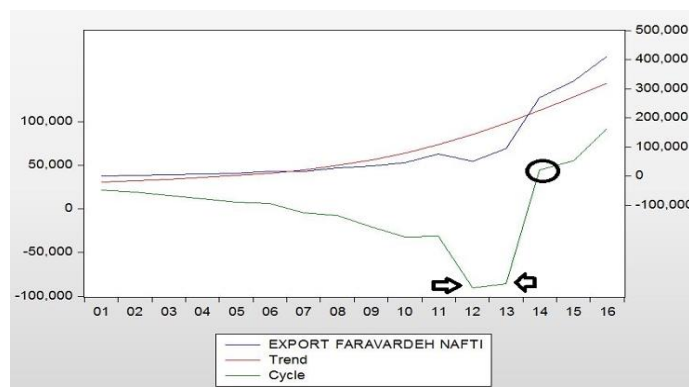
بند ۱۳: همان‌گونه که ذکر شد، بند ۱۳ مقابله با ضربه‌پذیری درآمدهای حاصل از صادرات نفت و گاز را مورد توجه قرار می‌دهد. بررسی چرخه‌های تجاری (Business Cycle) درآمدهای نفتی در اقتصاد ایران نشان می‌دهد که طی دوره ۱۹۶۵ تا ۲۰۱۶، روند درآمدهای نفتی ایران صعودی بوده است (خط قرمز در نمودار ۱)، اما دارای نوسان‌های بسیار شدیدی

به‌خصوص در سال‌های اخیر بوده است. وجود دو تکانه منفی در سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۲ و تکانه‌های مثبت در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ (همان‌گونه که در نمودار مشخص شده است) بیان‌گر این موضوع است.



نمودار ۱. چرخه‌های تجاری درآمدهای نفتی در اقتصاد ایران (۱۹۶۵-۲۰۱۶) به قیمت ثابت ۲۰۱۰
منبع: محاسبات پژوهش براساس داده‌های بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و فیلتر هادریک-پرسکات (Hodrick-Prescott)

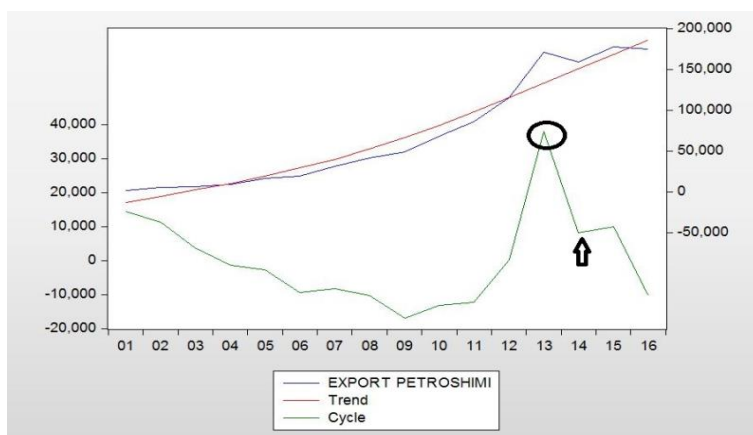
باتوجه به دو تکانه منفی شدید در سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۲ لازم است به‌منظور مقابله با ضربه‌پذیری از منابع درآمدی دیگری استفاده شود. دو مورد ذکر شده افزایش صادرات پتروشیمی و افزایش فرآورده‌های نفتی (به‌منزله بخش‌های پایین دستی نفت و گاز) هستند. نمودار ۲ چرخه‌های تجاری ارزش صادرات نفتی را نشان می‌دهد.



نمودار ۲. چرخه‌های تجاری ارزش صادرات فرآورده‌های نفتی در اقتصاد ایران (۲۰۰۱-۲۰۱۶) به قیمت ثابت ۲۰۱۰
منبع: محاسبات پژوهش براساس داده‌های مرکز آمار ایران و فیلتر هادریک-پرسکات

نمودار ۲ بیان می‌کند که روند ارزش صادرات فرآورده‌های نفتی در اقتصاد ایران طی دوره یادشده صعودی بوده است، اما در سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳، دو تکانه منفی وجود داشته است و از سال ۲۰۱۴ این اثر برطرف می‌شود.

نمودار ۳ چرخه‌های تجاری ارزش صادرات پتروشیمی را به تصویر می‌کشد. به‌طور کلی، روند ارزش صادرات پتروشیمی طی دوره ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۶ صعودی بوده است، ولی نوسان‌های زیادی داشته است. بزرگ‌ترین تکانه مثبت مربوط به سال ۲۰۱۳ (که ارزش صادرات پتروشیمی از ۱۴۶۴۵۶ در سال ۲۰۱۲ به ۲۳۷۵۶۷ میلیارد ریال در سال ۲۰۱۳ رسید)^۴ است و بزرگ‌ترین تکانه منفی مربوط به سال ۲۰۱۴ است.



نمودار ۳. چرخه‌های تجاری ارزش صادرات پتروشیمی در اقتصاد ایران (۲۰۰۱-۲۰۱۶) به قیمت ثابت ۲۰۱۰ منبع: محاسبات پژوهش براساس داده‌های مرکز آمار ایران و فیلتره‌ادریک - پرسکات

بنابراین استفاده از ظرفیت ارزش صادراتی فرآورده‌های نفتی و پتروشیمی (به‌منزله مقابله با ضربه‌پذیری درآمدهای نفتی) باید با توجه به نوسان‌های به‌وجودآمده موردتوجه قرار گیرد و تجزیه و تحلیل این موارد می‌تواند در کتاب‌های مرتبط اقتصاد مقاومتی آورده شود.

بند ۱۴: این بند به افزایش ذخایر راه‌بردی نفت و گاز کشور با حفظ میادین مشترک تأکید دارد. طبق جدیدترین گزارش BP (BP Statistical Review Of World Energy 2017) از نظر نفت، ایران در پایان سال ۲۰۱۶ پس از کشورهای ونزوئلا، عربستان سعودی، و کانادا دارای بیش‌ترین ذخایر اثبات‌شده در جهان است. از نظر تولید نیز در رده چهارم جهان قرار دارد. از نظر گاز طبیعی، ایران در پایان سال ۲۰۱۶ رتبه اول را از نظر ذخایر

اثبات شده در جهان دارد. از نظر تولید نیز پس از کشورهای امریکا و روسیه، رتبه سوم را در جهان داراست. بنابراین، ذخایر راه‌بردی کشور بسیار مطلوب است، اگرچه به‌علت تکنولوژی ضعیف، بهره‌برداری در میادین مشترک به‌خوبی صورت نگرفته است. ایران با کشورهای همسایه ۲۸ میدان هیدروکربنی به‌صورت مشترک دارد. هجده میدان نفتی، چهار میدان گازی، و شش میدان به‌صورت توأمان دارای ذخایر نفت و گاز است. طبق اظهارات برخی از پژوهش‌گران، همسایگان به‌طور متوسط ۹۰ برابر ایران برداشت می‌کنند و عقب‌ماندگی ایران از سه کشور عربستان، عراق، و قطر سالانه بالغ بر هفده میلیارد دلار می‌شود.^۵

بند ۱۵: این بند به افزایش ارزش افزوده بخش نفت از طریق تکمیل و توسعه زنجیره ارزش اختصاص دارد. طبق جدول داده - ستانده سال ۱۳۹۰، مقادیر پیوندهای پیشین و پسین بخش‌های نفت خام و گاز طبیعی، فرآورده‌های نفتی و پتروشیمی (بخش‌های پایین‌دستی نفت و گاز) به‌صورت زیر است:

جدول ۱. مقادیر پیوندهای پیشین و پسین بخش نفت و گاز و بخش‌های پایین‌دستی آن

نام بخش	پیوند پیشین	پیوند پسین
نفت خام و گاز طبیعی	۰,۶۲	۱,۱۳
فرآورده‌های نفتی	۱,۱۸	۳,۸۰
پتروشیمی	۱,۲۸	۳,۶۷

منبع: محاسبات پژوهش براساس جدول داده - ستانده سال ۱۳۹۰

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، بخش‌های پایین‌دستی نفت و گاز بیش از خود بخش در چرخه تولید نقش ایفا می‌کنند. اگر تقاضای نهایی بخش نفت خام و گاز طبیعی یک واحد افزایش یابد، تولید در کل اقتصاد ایران ۰/۶۲ واحد افزایش می‌یابد. این در حالی است که اگر ارزش افزوده این بخش یک واحد افزایش یابد، تولید در کل اقتصاد ایران ۱/۱۳ واحد زیاد می‌شود. این در حالی است که پیوندهای بخش‌های پایین‌دستی نفت خام و گاز طبیعی بسیار قوی‌تر است. بنابراین می‌توان به خلق ارزش افزوده با توسعه بخش‌های پایین‌دستی نفت خام و گاز طبیعی در اقتصاد ایران اقدام کرد.

بند ۱۸: این بند ناظر به افزایش سهم صندوق توسعه ملی از منابع حاصل از صادرات نفت و گاز است. سهم صندوق توسعه از محل درآمدهای نفتی طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ در جدول ۲ آمده است:

جدول ۲. سهم صندوق توسعه ملی از درآمدهای نفتی (درصد)

سال	سهم (درصد)
۱۳۹۰	۲۰
۱۳۹۱	۲۳
۱۳۹۲	۲۸
۱۳۹۳	۳۱
۱۳۹۴	۲۰
۱۳۹۵	۲۰

منبع: اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران، بررسی عملکرد صندوق توسعه ملی ایران، معاونت بررسی‌های اقتصادی، مرکز گردآوری و تحلیل آمار

این در حالی است که سهم صندوق در سال اول برنامه ششم توسعه سی درصد تعیین شده است و مقرر گردیده است که سالانه حداقل دو درصد به این سهم افزوده شود. بنابراین می‌توان گفت که عملکرد یادشده همراه با نوسان است و از یک روند مشخص تبعیت نمی‌کند.

باتوجه به این موارد می‌توان گفت:

- نوسان‌های شدید درخصوص درآمدهای نفتی در اقتصاد ایران خصوصاً در سال‌های اخیر وجود داشته است، ولی چنین وضعیتی درخصوص فرآورده‌های نفتی و پتروشیمی نیز وجود دارد. بنابراین، جای‌گزینی درآمد حاصل از صادرات فرآورده‌های نفتی و پتروشیمی با درآمدهای نفتی باید با دقت صورت پذیرد.
- ذخایر راه‌بردی نفت خام و گاز طبیعی کشور بسیار مناسب است، ولی در برداشت از میادین مشترک به‌نحو مطلوب اقدام صورت نگرفته است.
- توسعه بخش‌های پایین‌دستی نفت خام و گاز طبیعی به‌منظور افزایش ارزش افزوده در کشور بسیار مؤثر است.
- سهم صندوق توسعه ملی از محل درآمدهای نفتی طی سالیان اخیر با نوسان‌های زیادی روبه‌روست و از بیست درصد تا ۳۱ درصد را شامل می‌شود. حال باید دید که افزایش صعودی سهم صندوق در برنامه ششم توسعه محقق می‌شود یا نه.

۳,۵ ابعاد سلبی و ایجابی بخش نفت در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی

یکی دیگر از مواردی که در کتاب *ابعاد اقتصاد مقاومتی در صنعت نفت* مورد توجه قرار نگرفته است، توجه به ابعاد سلبی و ایجابی بخش نفت است. بُعد سلبی در خصوص کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی و بُعد ایجابی در بحث نقش درآمدهای نفتی در توسعه جلوه می‌یابد. خاطرنشان می‌شود که یکی از اهداف مهم در هر اقتصاد دستیابی به رشد اقتصادی است و این امر در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی مورد تأکید قرار گرفته است. بنابراین باید منابع رشد اقتصادی با توجه به متن سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و تبیین نقش درآمدهای نفتی و دیگر درآمدها در این خصوص مورد توجه قرار گیرد.

با امعان نظر در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی بندهای ذیل در خصوص ابعاد سلبی (کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی و دستیابی به رشد اقتصادی) قابل ذکر است.^۶

بند ۲: به نقش اقتصاد دانش‌بنیان در تولید و صادرات اشاره دارد. امروزه پذیرفته شده است که اقتصاد دانش‌بنیان نقش مهمی در رشد و توسعه اقتصادی کشورها از طریق افزایش بهره‌وری، کاهش تورم، و بی‌کاری دارد.^۷

بند ۳: به تقویت عوامل تولید با محور قرار دادن رشد بهره‌وری اشاره می‌کند. رشد بهره‌وری نیز یکی از عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی است.^۸

بند ۵: سرمایه انسانی به منزله یک عامل مؤثر بر رشد اقتصادی مدنظر قرار گرفته است.^۹
بند ۱۷: استفاده از درآمدهای مالیاتی به منظور اصلاح نظام درآمدی دولت مورد تأکید قرار گرفته است.^{۱۰}

بند ۱۹: مقابله با فساد و شفاف‌سازی اقتصاد به منظور نیل به رشد اقتصادی.^{۱۱}
همان‌گونه که ذکر شد، این موارد می‌توانند به مثابه جای‌گزین درآمدهای نفتی در فرایند رشد اقتصادی مؤثر واقع شوند.

بنابراین مطالعات تجربی نشان می‌دهند که موارد یادشده (اقتصاد دانش‌بنیان، رشد بهره‌وری، سرمایه انسانی، درآمدهای مالیاتی، و مقابله با فساد) می‌توانند در کنار درآمدهای نفتی موجب رشد اقتصادی شوند.

ابعاد ایجابی به نقش درآمدهای نفتی در توسعه اقتصادی اشاره دارد. اگر توسعه اقتصادی افزایش مداوم ظرفیت تولید یک جامعه براساس تکنولوژی پیش‌رونده تعریف شود، موارد ذیل با توجه به متن سیاست‌های اقتصاد مقاومتی قابل ذکر است:

- افزایش مداوم ظرفیت تولیدی جامعه ناظر به رشد اقتصادی است که یکی از اهداف اصلی اقتصاد مقاومتی به‌شمار می‌رود.
- تکنولوژی پیش‌رونده با اجرای بندهای ۲ (اقتصاد دانش‌بنیان) و ۵ (سرمایه‌انسانی) سیاست‌های اقتصاد مقاومتی مصداق می‌یابد.

بنابراین باید درآمدهای نفتی به‌منظور رشد اقتصادی، اقتصاد دانش‌بنیان، و سرمایه‌انسانی صرف شود تا توسعه اقتصادی (به‌منزله ابعاد ایجابی درآمدهای نفتی) محقق شود. هم‌گام با موارد یادشده، می‌توان از مدل‌های اقتصادسنجی و تعادل عمومی بهره‌گرفت و در کتاب‌های مرتبط مورداستفاده قرار داد.

۶. نتیجه‌گیری

بند ۲۱ سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی بر گفتمان‌سازی سیاست‌ها، به‌ویژه در محیط‌های علمی، آموزشی، و رسانه‌ای تأکید دارد. یکی از روش‌های تحقق این بند بررسی و واکاوی آثار چاپ‌شده در این حیطه است، به‌گونه‌ای که بتوان پژوهش‌های تحلیلی مفید را به‌منظور اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی بازشناخت. یکی از آثار به‌چاپ‌رسیده در این خصوص *ابعاد اقتصاد مقاومتی در صنعت نفت* نام دارد. بررسی شکلی کتاب نشان از آن دارد که برای استفاده درسی تألیف نشده است، گرچه می‌تواند اطلاعاتی کلی به خوانندگان منتقل کند. طرح روی جلد نماد و نشان مشخصی از اقتصاد مقاومتی ندارد. به‌علاوه، وجود اغلاط املائی زیاد در سرتاسر کتاب فهم آن را مشکل می‌کند و بنابراین نیاز به ویرایش کتاب احساس می‌شود. تحلیل محتوایی اثر بیان‌گر این است که نویسندگان درصدد برقراری ارتباط اقتصاد اسلامی و اقتصاد مقاومتی هستند. به‌بیان‌دیگر، رویکرد اقتصاد مقاومتی را اسلامی می‌دانند، ولی این امر که به‌صورت ضمنی موردتوجه آن‌هاست، اثبات نمی‌شود. فصل دوم کتاب به مروری بر بندهای سیاست اقتصاد مقاومتی و مکاتبات و سخن‌رانی‌ها اختصاص یافته است و کوشش نشده است که مفاهیم اقتصادی از این مجموعه احصا شود. محدودبودن ابزار علمی (فقط به‌کارگیری جدول)، فقدان ادبیات موضوع، و تحلیل‌نکردن پژوهش‌های انجام‌شده مرتبط با پژوهش موجب شده است که جنبه خبری و خطابه‌ای بر کتاب حاکم شود. به‌علاوه، انسجام بین فصل‌ها در کتاب مشاهده نمی‌شود. مثلاً در فصل سوم و پس از دو بخش مربوط به اقتصاد اسلامی و اقتصاد مقاومتی (فصول اول و دوم) به

تاریخچه صنعت نفت اشاره شده است که ارتباطی با بخش نفت و بندهای مرتبط با آن در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی ندارد. بررسی منابع به کار گرفته شده در کتاب نشان می‌دهد که در متن به اندازه کافی از منابع معتبر علمی استفاده نشده است. از آنجاکه هدف کتاب به‌طور مشخص تصریح نشده است، تعیین سازگاری با مبانی و پیش‌فرض‌های مفروض سالبه به انتفاء موضوع است. به‌منظور بیان نقش بخش نفت و گاز در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی (که در کتاب مورد توجه قرار نگرفته است)، با استفاده از داده‌های بانک مرکزی و مرکز آمار ایران تحلیل مختصری (مقدمه‌ای بر پژوهش‌های آتی) در این مقاله انجام شده است. در نهایت، این اثر گرچه نتوانسته است ابعاد اقتصاد مقاومتی را در صنعت نفت به‌صورت تحلیلی تبیین کند، برای اطلاع‌آجمالی از سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و برنامه‌های وزارت نفت در این خصوص قابل استفاده است. بنابراین برخلاف نظر نویسندگان محترم کتاب مرجع کاملی در حوزه مورد بحث به‌شمار نمی‌آید.^{۱۲}

پی‌نوشت‌ها

۱. احتمالاً این پژوهش به سفارش دانشگاه عدالت بوده است.
۲. البته در کتاب به‌صورت «مطلبید» چاپ شده است.
۳. این در حالی است که عمر تشکیل وزارت نفت نزدیک به چهل سال است.
۴. طبق آمار منتشرشده مرکز آمار ایران.
۵. ارقام یادشده از اظهارات حسین آفریده، رئیس پژوهشکده نفت و گاز و پتروشیمی دانشگاه امیرکبیر با روزنامه شرق و از وب‌گاه تسنیم (۹۵/۴/۲۶-۱۴:۵۱-۱۳۱۳۸۵) اخذ شده است. ذکر این نکته لازم است که وزارت نفت از سال ۱۳۸۹ اطلاعات جدیدی در این خصوص منتشر نکرده است. به‌طور کلی، تمامی پژوهش‌گران بر ضعف ایران در برداشت از میادین مشترک تأکید دارند.
۶. در ادامه، به یک نمونه از پژوهش‌های کاربردی صورت‌گرفته در هریک از بندهای مرتبط اشاره شده است. بدیهی است، گستره پژوهش‌های انجام‌شده وسیع است و عنوان‌های ذکرشده فقط نمونه‌وار آورده شده‌اند.
۷. گرجی‌زاده و شریفی رنانی (۱۳۹۳).
۸. نصراله‌نیا و دیگران (۱۳۹۳).

۹. رضاقلی زاده و آقایی (۱۳۹۶).

۱۰. رنجبر و دیگران (۱۳۹۵).

۱۱. صباحی و ملک‌الساداتی (۱۳۸۸).

۱۲. به نقل از صفحه ۱۸۲ کتاب.

کتاب‌نامه

- بانک مرکزی جمهوری اسلامی (۱۳۹۶)، «بانک اطلاعات سری زمانی»: <<https://www.tsd.cbi.ir>>، رضاقلی زاده، مهدیه و مجید آقایی (۱۳۹۶)، «سرمایه انسانی و بهره‌وری نیروی کار در استان‌های ایران»، *مجله اقتصادی*، ش ۱ و ۲.
- رنجبر، همایون، مجید صامتی، و مهسا مالیان (۱۳۹۵)، «امکان جای‌گزینی درآمدهای مالیاتی با درآمدهای نفتی (مطالعه موردی ایران)»، *فصل‌نامه اقتصاد کاربردی*، ش ۱۹.
- زرانژاد، منصور (۱۳۹۵)، «بررسی و نقد کتاب تحلیلی بر شاخص‌های کلان اقتصادی در ایران (با رویکرد اقتصاد مقاومتی)»، *پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، ویژه‌نامه اقتصاد مقاومتی.
- سیداخلاقی، محمد (۱۳۸۰)، «راه و رسم تعیین حروف و انتخاب قطع کتاب»، *جهان کتاب*، ش ۴.
- شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی (۱۳۹۰)، «پرسش‌نامه نقد و بررسی متون و کتب علوم انسانی (کتب ملی)»: <<http://www.shmoton.ir>>
- صباحی، احمد و سعید ملک‌الساداتی (۱۳۸۸)، «اثر کنترل فساد بر رشد اقتصادی»، *فصل‌نامه پژوهش‌نامه بازرگانی*، ش ۵۳.
- گرچی زاده، عطیه و حسین شریفی زنانی (۱۳۹۳)، «نقش اقتصاد دانش‌بنیان در کنترل تورم»، *فصل‌نامه مدل‌سازی اقتصادی*، ش ۲۶.
- مجمع تشخیص مصلحت نظام (۱۳۹۲)، «سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، ابلاغی مقام معظم رهبری»، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۶)، «ارزش ریالی آمار بازرگانی خارجی ایران»: <<https://www.amar.org.ir>>
- مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۹۴)، «پایه‌های آماری بهنگام‌سازی جدول داده - ستانده برای سال ۱۳۹۰»، تهران: دفتر مطالعات اقتصادی.
- ملک‌زاده، محمدشریف و مرتضی عابدینی (۱۳۹۴)، *ابعاد اقتصاد مقاومتی در صنعت نفت*، تهران: جنگل.
- میرجلیلی، سیدحسین (۱۳۹۵)، «نقد و تحلیل متون خارجی منتشره در زمینه مقاومت اقتصادی»، در: *همایش اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، گروه اقتصاد، شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی.

۵۰ پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال هفدهم، شماره نهم، اسفند ۱۳۹۶

نصراله‌نیا، محمد، محمدابراهیم مداحی، و فرزانه رحمانی‌زاده (۱۳۹۳)، «بررسی عملکرد بهره‌وری در رشد اقتصادی ایران و برخی کشورهای عضو سازمان بهره‌وری آسیایی»، فصل‌نامه دانش مالی و تحلیل اوراق بهادار، ش ۲۳.

وب‌گاه تسنیم (۱۳۹۵)، «مصاحبه با حسین آفریده، رئیس پژوهشکده نفت و گاز پتروشیمی دانشگاه امیرکبیر».

<BP Statistical Review of World Energy, June2017.<https://www.bp.com>>.